



«وضعیت دینداری در ایران» در گفت‌وگو با دکتر حسین محمدی سیرت، استاد علوم سیاسی

باطراوت تر از روز اول

بعد از گذشت ۴۳ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، آیا هنوز «گزاره‌های دینی» و «رویکردهای انقلابی» برای حل مسائل جامعه ما کارآمدی و کارایی لازم را دارد؟

مهسا رضانی
خبرنگار

رهبر معظم انقلاب در سی و سومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) عنوان کردند که «امروز گرایش مردم به دین و انقلاب یقیناً بیش از ابتدای انقلاب است» و در این راستا، به نمونه‌هایی برجسته از حضور شکوهمند مردم در تجلیل از مقاومت و روحانیت همچون تشییع میلیونی شهید سردار قاسم سلیمانی و فقهای عالیقدری همچون آیت‌الله صافی گلپایگانی و آیت‌الله بهجت اشاره کردند و این جنس از حضور را نشان‌دهنده اعتقاد مردم به روحانیت، دین، جهاد و مقاومت دانستند. در این راستا، بر آن شدیم تا در گفت‌وگو با دکتر حسین محمدی سیرت، استاد علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، وضعیت جامعه امروز ایران و پایبندی مردم به دین و ارزش‌های انقلابی را به تحلیل بگذاریم و ببینیم آیا بعد از گذشت ۴۳ سال، هنوز «گزاره‌های دینی» و «رویکردهای انقلابی» برای حل مسائل جامعه ما کارآمدی و کارایی لازم را دارد؟ دکتر محمدی سیرت در این بحث از «راز اقتدار ما ایرانیان» رمزگشایی می‌کند.

■ **جناب دکتر محمدی سیرت، پس از چهار دهه که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، از «وضعیت دینداری در جامعه ایران امروز» چه ارزیابی دارید؟**
در خصوص دینداری در جامعه ایرانی چند نکته را نباید از نظر دور داشت. نخست آنکه، در گذشته و در سابقه فرهنگی ما، موضوع دینداری و فهم دینی جامعه، بیشتر مبتنی بر نوعی «فهم فردی از دین» بود. اما نکته مهم در خصوص دینداری در ایران امروز، حضور اجتماعی و غیرفردی دین است؛ قبل از انقلاب اسلامی، دین حضوری اجتماعی و سیاسی نداشت. منظور از «حضور اجتماعی دین» نقش اجتماعی گزاره‌های دینی در سیاست‌گذاری‌های کلان نظام سیاسی، الگوی انتخاب، الگوی رشد، الگوی تصمیم‌گیری، الگوی حاکمیت ... است. به‌طور قطع پس از چهار دهه، امروز آنچه ما از آن تحت عنوان «دین» حرف می‌زنیم صرفاً بخشی از رفتارهای فردی خرد دیندارانه نیست و این بُعد را بیشتر «پوسته ظاهری

«مصرف فرهنگی» یکی از اصلی‌ترین حوزه‌هایی است که به وضوح می‌توان گرایش‌های دینی را در آن رصد کرد. به‌عنوان مثال، هنوز که هنوز است، در جشنواره فیلم فجر، آن جنس فیلم‌هایی مورد استقبال و اقبال عموم و حوزه‌های نخبگانی هنر قرار می‌گیرد که رنگ و بوی دینی و انقلابی دارد. به‌عنوان نمونه، در سالی که گذشت فیلم «موقعیت مهدی» که دربردارنده یک گزاره دینی است، توانست بیشترین اقبال را کسب کند. این در حالی است که برخی می‌گویند مفهوم «شهید» را ملی‌گرایانه توصیف کنند اما واقعا امکان‌ناپذیر است؛ هر چند شهید یک جلوه ملی‌گرایانه نیز دارد ولی مفهوم شهادت و شهید قطعاً یک گزاره جدی دینی است.

در حوزه «کتاب» نیز پرتیراژترین کتاب‌های ما، همچنان کتاب‌های دینی هستند؛ از کتاب‌های مفاتیح و ادعیه گرفته تا کتاب‌های حوزه علوم‌دینی و دفاع مقدس.

■ **اما برخی بر این باورند زان‌زانی دینی و دفاع مقدس با حمایت و سرمایه‌گذاری نظام همراه است و این امر، علت رشد این بخش شده است؟ پاسخ شما به چنین اظهارنظرهایی چیست؟**
حتی اگر این پیش‌فرض را بپذیریم نکته‌ای که نباید از نظر دور بداریم این است که بالاخره این سرمایه‌گذاری با «اقبال عموم» مواجه می‌شود و مخاطب دارد.

این اقبال عمومی را در حوزه «موسیقی» هم داریم. واقعیت این است که یکی از موضوعات پر مصرف ما در حوزه موسیقی، موسیقی‌های دینی و انقلابی است و یکی از متاخرترین آنها

هم سرود «سلام فرمانده» است که با اقبال قابل توجهی از سوی اقشار مختلف جامعه همراه شد.

حوزه دیگری که باید به آن توجه کرد «مناسک دینی» است. عده‌ای تلاش دارند که مفهوم مناسک را از لحاظ کارکردی تقلیل دهند. این در حالی است که خود در ترویج فرهنگ غرب، همواره بر «مناسک» و «اجتماعات» تأکید دارند. برای مثال، از حضور اجتماعی مردم در هفتادمین سال پادشاهی ملکه انگلیس که پیوسته از شبکه‌های رقیب انتشار داده می‌شد، تحت عنوان اقبال عمومی و مناسک اجتماعی یاد می‌کردند اما از همین جنس از حضور اجتماعی در جامعه ما با عنوان «حرکت‌های پوپولیستی» سخن می‌گویند!

در حوزه مناسک در جامعه ایرانی، کتاب‌های ما، همچنان کتاب‌های دینی هستند؛ از کتاب‌های مفاتیح و ادعیه گرفته تا کتاب‌های حوزه علوم‌دینی و دفاع مقدس.
■ **اما برخی بر این باورند زان‌زانی دینی و دفاع مقدس با حمایت و سرمایه‌گذاری نظام همراه است و این امر، علت رشد این بخش شده است؟ پاسخ شما به چنین اظهارنظرهایی چیست؟**
حتی اگر این پیش‌فرض را بپذیریم نکته‌ای که نباید از نظر دور بداریم این است که بالاخره این سرمایه‌گذاری با «اقبال عموم» مواجه می‌شود و مخاطب دارد.

این اقبال عمومی را در حوزه «موسیقی» هم داریم. واقعیت این است که یکی از موضوعات پر مصرف ما در حوزه موسیقی، موسیقی‌های دینی و انقلابی است و یکی از متاخرترین آنها

امسال که شاهد بودیم مردم به‌صورت خودجوش شب‌های قدر را در محل مزار شهدا پاس داشتند، گواه دیگری است بر این امر که جامعه ایرانی به ارزش‌های دینی و انقلابی‌اش وفادار است و حتی بیش از ابتدای انقلاب به حفظ این ارزش‌ها پایبندی نشان می‌دهد.

حضور میلیونی مردم در مراسم تشییع سردار شهید سلیمانی از دیگر جلوه‌ها و نقاط عطفی است که پایبندی مردم به عرصه دین و آرمان‌های انقلابی را نشان می‌دهد. بسیاری تلاش کردند که حاج قاسم را یک «شخصیت ملی» معرفی کنند اما واقعیت این است که حاج قاسم در گفتمانی از انقلاب اسلامی قرار می‌گیرد که بر صدور انقلاب اسلامی و توسعه آن به خارج از مرزهای کشور تأکید دارد که از درونمایه‌ای کاملاً دینی برخوردار است و همین امر او را به «شخصیتی فراملی» بدل کرده است.

همچنین، توسعه امکان مذهبی، تعداد طلبه‌ها و مراکز فرهنگی که با گفتمان دینی هماهنگ است نیز از دیگر مؤلفه‌هایی است که در تقویت و ثبات عرصه دینداری می‌توان بر آن تأکید کرد که بی‌تردید به لحاظ کمیت با دوران قبل از انقلاب یا دوران ابتدای انقلاب قابل مقایسه نیست. بسیاری از این مراکز به‌صورت مردمی اداره می‌شوند و مراکزی هم که دولتی هستند با استقبال مردمی همراهند.

■ **دین در جغرافیای اندیشه‌گی و در فضای نخیکی ما چه سهم و جایگاهی دارد؟ در واقع می‌خواهیم بدانیم عرصه اندیشه‌گی و تفکر روزی ما، چقدر گفتمان دینی مان را نمایندگی می‌کند؟**
همان‌طور که اشاره کردید، یکی دیگر از نقاط عطف ما در بحث

در جامعه ایرانی» کارآمدی دارد. وقتی افرادی از پوسته ظاهری انقلاب و دین در جامعه صحبت می‌کنند باید برای حرف خود مصداقی داشته باشد. آنچه ما در صحنه عینی جامعه می‌بینیم کارایی گزاره‌های دینی در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی و حضور عینی آن در جامعه است.

■ **اکنون که در دهه پنجم انقلاب اسلامی هستیم سیر تکاملی «هویت ما ایرانیان» را چطور می‌توان تبیین کرد؟**

واقعیت این است که هویت اسلامی-ایرانی ما تکامل جدیدی پیدا کرده است. پیش‌تر یادداشتی با عنوان «تکامل هویت ایرانی در مراسم تشییع حاج قاسم» نوشته‌ام و در آن توضیح داده‌ام که وقتی در دوران پهلوی از هویت ایرانی صحبت می‌کردیم «اسلام» را حذف می‌کردیم. بعد از انقلاب اسلامی و در دهه شصت نیز تلاش می‌کردیم تا گزاره‌های ایرانی را از هویت حذف کرده و تنها بر گزاره‌های دینی تأکید کنیم. اما نکته‌ای که امروز در دهه پنجم انقلاب اسلامی باید به آن توجه داشت، تبلور بُعد «ایرانیّت» و «اسلامیت» به شکلی توأمان در هویت ایرانی است که به‌تمامه خود را در نمادی مثل شهید سردار سلیمانی به‌صورت کامل و برجسته نشان می‌دهد. امروز دیگر کسی ایرانیّت را در تضاد با اسلامیت نمی‌بیند و «هویت اسلامی - ایرانی» ما اتفاقاً بسیار تکامل یافته‌تر از دوران پیش از انقلاب یا حتی در سال‌های اول انقلاب است.

■ **رمز «انقلابی ماندن» چیست؟ «رویکردهای انقلابی» چقدر می‌تواند راه‌حلی برای چالش‌های امروز ما باشد؟**
برای برداشتن به «رمز انقلابی ماندن» نخست باید انقلاب را تعریف کنیم. انقلاب اسلامی، دو ساخت دارد؛

یک ساخت انقسی و درونی که به نوعی اتصال انسان انقلابی را به مبانی انقلابی نشان می‌دهد و دوم، ظاهر انقلابی است که اعتقاد به سادذه‌یستی، عدالت، آزادی و... را شامل می‌شود. برای «انقلابی ماندن» به هر دو لایه نیاز داریم، اما به‌طور قطع لایه انقسی و درونی آن پرنرگ‌تر است، چراکه خود انقلاب اسلامی هم انقلاب از درون انسان‌ها بوده است و در ادامه منجر به یک حرکت جمعی شده است.

اما اینکه «تنها راه‌حل در حل مسائل مان «رویکردهای انقلابی» است یا خیر؟» باید گفت، تجربه چهار دهه گذشته انقلاب و آمار بانک جهانی نشان می‌دهد بالاترین رشد اقتصادی ما مربوط به دهه ۶۰ و در اوج جنگ و گرفتاری‌های سیاسی و امنیتی بوده است و بالعکس در دوره‌هایی که گزاره‌های دینی را کنار گذاشتیم بشدت گرفتار مسائل اقتصادی شدیم. در حوزه امنیت هم همین‌طور است. وقتی امنیت‌مان را در گفتمان انقلاب اسلامی تعریف و تبیین کردیم، امنیت‌مان تأمین شد. در حوزه سیاست خارجی نیز موفق‌ترین پرده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پرورنده منطقه‌ای ما است که با ادبیات و درون مایه انقلابی شکل گرفته است. می‌خواهم بگویم چه در اقتصاد و چه در فرهنگ گسیخته است و امنیت و... تجربه چهار دهه گذشت ما ثابت می‌کند که هروقت به ادبیات انقلاب نزدیک‌تر و وفادارتر بودیم، کارآمدی را دیده و تجربه کردیم. به همین دلیل معتقدم «انقلابی ماندن» همچنان می‌تواند مهم‌ترین راه‌حل ما برای برون‌رفت از مسائل امروزمان باشد.

مقایسه با پیش از انقلاب اسلامی برخی اصلاحات همچون آمدن دین به ساحت اجتماعی و سیاسی و تغییر مفهوم نقش اجتماعی زنان را شاهد هستیم. اگر تا پیش از این، زن در خانه بود و تحصیلات و نقش اجتماعی نداشت و جنس دوم محسوب می‌شد، پس از انقلاب اسلامی، تصویر دیگری از «زن مسلمان» ارائه شد و بعضی از دینداری‌های سنتی ما تغییر کرد و این اصلاحات در مدل دینداری، به رشد مقوله دینداری در این چهار دهه کمک کرده است.

■ **این روزها، برخی از «ریزش‌های انقلابی» صحبت می‌کنند و به واگرایایی‌هایی در جریان انقلاب ارجاع می‌دهند. پاسخ شما به این دست از ادعاها چیست؟**

در خصوص این ادعا، نخست باید از مصادیق و شواهد مدعیان پرسش کنیم که چه استدلال و مدعایی برای قضاوت خود ارائه می‌کنند، چرا که با صرف یک ادعا نمی‌توان حکمی در این خصوص داد.

ما یک نظام سیاسی را بر اساس مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها اعم از «ساختار» و «کارگزاران» می‌شناسیم. در حوزه «ساختار» می‌توان به نقش و جایگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی که کاملاً بر اساس گزاره‌های دینی تدوین شده است، اشاره کرد. متأسفانه، «معاصرّت» و «تکرار» ما را از فهم برخی از گزاره‌ها دور می‌کند.

قانون اساسی ما برآمده از گزاره‌های دینی است و در دوره‌ای که همه از عدم حضور دین و معنویت در دنیای امروز صحبت می‌کنند، بعد از ۴۳ سال، هنوز این قانون اساسی موضوعیت و کاربرد دارد. خود این امر، به معنای کارآمدی

■ **اقبال عمومی از فیلم «موقعیت مهدی» یا سرود «سلام فرمانده» و مراسم و مناسکی چون راهپیمایی اربعین، تشییع پیکر سردار سلیمانی یا پاسداری شب‌های قدر در مزار شهدا و رجوع مردم به اماکن مذهبی برای تحویل سال نو از جمله جلوه‌ها و نقاط عطفی است که نشان می‌دهد جامعه ایرانی به ارزش‌های دینی و انقلابی‌اش وفادار است و حتی بیش از ابتدای انقلاب به حفظ این ارزش‌ها پایبندی نشان می‌دهد. بنابراین معتقدم «انقلابی ماندن» همچنان می‌تواند مهم‌ترین راه‌حل ما برای برون‌رفت از مسائل امروزمان باشد. تجربه چهار دهه انقلاب نشان می‌دهد هروقت به ادبیات انقلاب نزدیک‌تر و وفادارتر بودیم، کارآمدی را بهتر تجربه کرده‌ایم.**

دینداری جامعه ایرانی و پایبندی آن به ارزش‌های انقلاب، به فضای اندیشه‌گی جامعه ایرانی برمی‌گردد. اگر در چهار دهه قبل، از علوم انسانی اسلامی یا الگوی مدیریت، اقتصاد و معماری اسلامی صحبت می‌کردیم، صرفاً با تعداد بسیار محدودی از ادبیات دینی مواجه می‌شدیم. اما امروز، تمام قد می‌توانیم از «علوم‌انسانی اسلامی» دفاع کنیم و این خود یکی از مهم‌ترین جلوه‌های دینداری جامعه ایرانی است.

نکته اینجا است که اگر از افزایش معنویت در جامعه ایرانی صحبت می‌کنیم در مقابل شاهد فروکش کردن معنویت در دنیای مدرن و جهان معاصر هستیم. سطحی‌نگاری، عرفی‌شدگی و توسعه فضای مجازی از مؤلفه‌های دنیای امروز است و باید به این نکته توجه داشت که ما در خلأ نیستیم و برخلاف همچون «راهپیمایی اربعین» که اصلی‌ترین بانی آن جمهوری اسلامی است و ماهیتی دینی دارد، خود یکی از بزرگترین مناسک اجتماعی بشری به حوزة است.

دینداری جامعه ایرانی و پایبندی آن به ارزش‌های انقلاب، به فضای اندیشه‌گی جامعه ایرانی برمی‌گردد. اگر در چهار دهه قبل، از علوم انسانی اسلامی یا الگوی مدیریت، اقتصاد و معماری اسلامی صحبت می‌کردیم، صرفاً با تعداد بسیار محدودی از ادبیات دینی مواجه می‌شدیم. اما امروز، تمام قد می‌توانیم از «علوم‌انسانی اسلامی» دفاع کنیم و این خود یکی از مهم‌ترین جلوه‌های دینداری جامعه ایرانی است.

نکته اینجا است که اگر از افزایش معنویت در جامعه ایرانی صحبت می‌کنیم در مقابل شاهد فروکش کردن معنویت در دنیای مدرن و جهان معاصر هستیم. سطحی‌نگاری، عرفی‌شدگی و توسعه فضای مجازی از مؤلفه‌های دنیای امروز است و باید به این نکته توجه داشت که ما در خلأ نیستیم و برخلاف همچون «راهپیمایی اربعین» که اصلی‌ترین بانی آن جمهوری اسلامی است و ماهیتی دینی دارد، خود یکی از بزرگترین مناسک اجتماعی بشری به حوزة است.

در خصوص مدل دینداری نیز در



هم که برآمده از این مبانی دینی باشد، از پستوانه‌های عقلی برخوردار است و ما را به تکامل سیاسی و اجتماعی می‌رساند. انقلاب اسلامی، انقلاب دیدگاه‌ها است و

قرار بگیریم که ما را خلق کرده و به چرایی و چگونگی این خلقت آگاه است. وقتی از چنین پستوانه معرفتی و دینی برخوردار هستیم به‌طور قطع سیاستی

این انقلاب دیدگاه‌ها بر شناخت انسان و روش زندگی (همانطور که دین معرفی کرده) تأکید دارد. تحقق این مهم به‌طور قطع وابسته به داشتن یک‌سری از معارف عمیق عقلی است. بنابر آنچه گفته شد ما گریزی از برداشتن به معارف گوناگون عقلی نداریم اگر چه گاهی با بی‌مهری نسبت به مباحث عقلی مواجه می‌شویم اما می‌توان گفت که مهم‌ترین پایگاه پرداخت به «مباحث عقلی» حوزه‌های علمیه است و علوم عقلی در حوزه‌های علمیه جایگاه مستحکمی دارند.

■ **مکتوب حاضر، متن ویرایش و تلخیص شده «ایران» از سخنرانی آیت‌الله محمدباقر تحریری در نشست علمی «تأثیر جریان نوصرداری در مکتب حکمی عرفانی تهران» است که به همت حوزه علمیه مروی تهران به‌صورت مجازی برگزار شد.**

سهم «معارف عقلی» در گفتمان دینی

علوم عقلی در حوزه‌های علمیه جایگاه مستحکمی دارند

آیت‌الله محمدباقر تحریری
تولیت حوزه علمیه مروی تهران

«معارف عقلی» در «معرفت دینی» جایگاه و نقشی غیرقابل تردید دارند. حوزه علمیه تهران نیز در کنار دیگر حوزه‌های فقهی و کلامی عمدتاً با تأکید بر «مباحث فلسفی» شکل گرفت و در این راستا بزرگانی را در عرصه معارف عقلی آموزش و پرورش داد که اکنون هر یک از آنان صاحب نظریه‌های خاص در مباحث فلسفی هستند و در رابطه با علوم عقلی و فلسفی کتاب و آثار درخور تأملی دارند؛ از جمله آنان می‌توان به مرحوم ملاعبدالله زنوزی، آیت‌الله شهید مطهری و مرحوم سید رضی شیرازی و... اشاره کرد. این بزرگواران هم در عرصه فقه و فقاہت ورود و تبحر داشتند و هم در حوزه معارف و علوم عقلی تأملات قابل رجوعی ارائه کرده‌اند. به این اعتبار، می‌توان گفت که اساس مباحث طرح

شده در حوزه‌های علمیه عمدتاً مبتنی بر «مباحث عقلی» است. معارف عقلی دین، مبانی خاصی را می‌طلبد که فقط در معارف عقلی قابل درک و بررسی است.

۲ قرآن کریم دعوت پیامبر اکرم(ص) را در وهله نخست به «حکمت» به معارف متقنی اشاره دارد که قابل تغییر نیست و اصولی است که با استحکام خاصی از جانب حکیم مطلق ارائه شده است. این معارف حکمی، خود پستوانه «معارف عملی» ما خواهد بود. بی‌شک به دست آوردن این «معارف حکمی» به پستوانه «معارف عقلی» تحقق‌پذیر است. فارغ از درک حکمت الهی، از آنجا که معجزه بودن قرآن کریم یک امر مشهود (مانند اژدها شدن عصا یا زنده شدن مردگان) نیست، درک اعجاز قرآن کریم هم نیاز به پستوانه‌های عقلی دارد که جایگاه

و خاستگاه آن در حوزه‌های علمیه بوده و هست و اگر معارف عقلی در مراکز آموزشی و علمی دیگر همچون دانشگاه‌ها سرایت کرده است، این سرایت از رهگذر ورود پرورش‌یافتگان حوزه‌های علمیه به این مراکز می‌باشد.

۳ «معارف دین» بنابر تعریف قرآن «معارف فطری» است و این معارف هر کدام با شلونی از وجود انسان منطبق است که در عرصه‌های مختلف هستی‌شناسی، مبدأشناسی، معادشناسی و... همه به نوعی با جنبه‌هایی از انسان‌شناسی پیوند می‌خورند. برای ورود به این عرصه‌ها و رسیدن به معارف آن، به پستوانه‌ها و مبانی مشترک نیاز داریم. در این فضا، معارف بینشی و عقلی دین، پایه ورود به ایمان است. روایاتی که درباره «عقل» و «جهل» آمده روایات بسیار مهمی است که آنها هم شرط ورود به عرصه دین و دینداری